فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ٤، بهار۹۳، صفحات ۹-۲٦

دانش بومی؛ گامی به سوی بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی و توانمندسازی روستاییان

منصور وثوقی[۱]، سونا حبیبی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۷

چکیده

توسعه‌ی روستایی باید با شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه سازگار باشد. تحقّق توسعه‌ی روستایی گامی در جهت خودکفایی و بهبود وضعیت جامعه روستایی است. بنابراین توجه به زمینه‌های بومی لازم است. مقاله‌ی حاضر یک مطالعه‌ی بنیادی و کتابخانه‌ای برای معرفی دانش بومی به‌عنوان بستری مناسب برای بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی است و به این موضوع پرداخته شده که با مّد نظر قرار دادن دانش بومی و ویژگی‌های آن مانند کل‌نگر، انباشتی، پویا و عجین با فرهنگ یک قوم و نیز کاربرد عملی آن نه تنها توسعه‌ی روستایی منطبق با شرایط محلی یک اجتماع است بلکه می‌توان به توسعه‌ای درون‌زا دست یافت. روستاییان نیز در سایه‌ی ارائه‌ی دانش و تجارب خود می توانند از نتایج توسعه‌ای همه جانبه بهره‌مند شوند، ضمن این‌که به توانمندسازی روستاییان به‌جای وابستگی صِرف می انجامد، در آنان احساس امنیت، کارآمد بودن، اثرگذار بودن، ارزشمند بودن و برخورداری از حق انتخاب ایجاد می-شود.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، بومی‌سازی، توسعه‌ی روستایی، توسعه‌ی همه‌جانبه روستایی، توانمندسازی.

[۱]- استاد گروه توسعه‌ی روستایی دانشگاه تهران،(نویسنده مسؤول)vosooghi_mn@yahoo.com

[۲]- کارشناسی ارشد توسعه‌ی روستایی دانشگاه تهرانsonahabibi٥٩@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه

دستیابی به معیشت بهینه و ارتقای کیفیت زندگی از اهداف اساسی برنامه‌های توسعه‌ی روستایی است. اما ممکن است تمام این برنامه‌ها به‌دلایل مختلفی به اهداف مورد نظرشان دست نیابند. یکی از دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه‌ی مسأله‌ی میزان کاربرد منابع محلی و مشارکت بومیان در طول اجرای طرح است. هم‌چنین توجه به بومی‌سازی پروژه‌های توسعه‌ی روستایی باعث شده که نظریه‌پردازان توسعه نگرش به فرآیند توسعه را تغییر دهند و رویکردهای توسعه‌ای را با ظرفیت‌ها و امکانات هر منطقه‌ای منطبق سازند.

در رویکردهای اولیه به توسعه، دانش بومی اصولاً یک مانع ناکارآمد به‌حساب می‌آمد و کاربرد آن نتیجه‌ای جز عقب افتادن از مسیر توسعه را در برنداشت. برنامه‌ریزان توسعه که رویکردهای توسعه را بدون توجه به دانش بومی به‌کار برده‌اند با بسیاری از مشکلات و مسایل غیر منتظره رو-به‌رو شده‌اند؛ چون موفق به کسب نتایج مثبت و مورد نظر نشده‌اند. در واقع نتایج توسعه با شکست مواجه شدند. همین امر دیدگاه‌ها را به امکانات بومی سوق داد و توجه به دانش بومی مورد تأکید قرر گرفت.

تجربه‌های برخاسته از اجرای طرح‌های توسعه‌ی روستایی حاکی از آن است که فناوری‌های به‌کار گرفته در آن‌ها عموماً برای مدت کوتاهی دوام آورده‌اند؛ زیرا این تکنولوژی‌ها در خارج از روستا تعبیه شده و به‌نوعی به جامعه‌ی روستایی تزریق شده است و با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی روستا، ناکارآمدی تکنولوژی‌های وارداتی محسوس است. لذا برای افزایش جنبه‌های کاربردی‌تر فناوری‌های توسعه‌ای، توجه و استفاده از دانش بومی اجتناب‌ناپذیر است. زیرا این دانش منشأ محلی-فرهنگی داشته و با زیست بوم منطقه سازگار است و چون طی تجارب و در طول زمان ایجاد شده، قابلیت درک از سوی بومیان را دارد و کاربرد عملی آن یک نوع حق انتخاب را برای بومیان قائل می‌شود. این نوع دانش کاربر بوده و از روش‌های سرمایه بر بیرونی با صرفه‌تر است. بنابراین اهمیت دانش بومی و دسترسی به توسعه‌ی روستایی با خاستگاه محلی اجتناب غیر قابل انکار است.

شکست علوم و تکنولوژی‌های نوین در زمینه‌ی تحقّق توسعه بعد از سال‌ها فعالیت تحقیقی و ترویجی در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی و کشاورزی در کشورهای در حال توسعه سبب شد تا اکثر صاحب‌نظران، متخصصان و دانشمندان به این واقعیت معترف شوند که تحقق توسعه و همه‌جانبه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بودن آن بدون در نظر گرفتن دانش بومی جوامع محلی و دخالت بومیان و روستاییان در فرآیند توسعه غیر ممکن است. دانش بومی نسبت به دانش فنی دارای دو مزیت است:

۱- بدون هزینه و به‌سادگی در دسترس است.

۲- از نظر اقتصادی مقرون به‌صرفه است و با محیط‌زیست سازگاری دارد و حداقل خطر را برای کشاورزان و تولیدکنندگان روستایی در بر دارد (سازمان ملل متحد برنامه‌ی محیط‌زیست[۳]، ۱۳۹۲: ۷ - ۸).

کاربردی بودن دانش بومی بر این نکته تأکید دارد که تلاش برای گردآوری آن، یک فعالیت صرفاً دانشگاهی نیست؛ بلکه مشخصاً برای حل مسائل و مشکلات فرا روی بشری آغاز شده است. وابستگی و سازگار بودن دانش بومی به خاستگاه جغرافیایی آن اشاره دارد؛ یعنی برای حل مسائل توسعه‌ی یک کشور، کاوش و بررسی علمی دانش بومی آن سرزمین الزامی است (بوذرجمهری، ۱۳۸۲: ۷).

یکی از چالش‌های پیش‌روی توسعه‌ی روستایی، دستیابی به اهداف توسعه‌ای با صرف هزینه-های کم‌تر و با نتایج مثبت در درازمدت است. چگونه می‌توان یک طرح توسعه‌ای با صرفه و بهینه را در سطح روستاها پیاده کرد به‌گونه‌ای که پیشرفت حاصل شود، روستاییان راضی باشند و نیز با قدرت بخشی و توانمندی آنان، حفاظت از توسعه را تضمین کرد؟ سؤالاتی که در این مطالعه به آن‌ها پرداخته می‌شود از این دست است و هم‌چنین: توسعه‌ی روستایی چیست؟ چه نوع دانشی را بومی می‌نامند؟ چگونه کاربرد آن به توانمندسازی روستاییان منتهی می‌شود؟ بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی چگونه به‌دست می‌آید و چه نتایجی را به‌بار می‌آورد؟

روش تحقیق

مقاله‌ی حاضر از نظر هدف بنیادی است. تحقیق بنیادی عبارت است از کار تئوری یا تجربی که بیش‌تر به‌منظور کسب دانش و دسترسی به اصول ریشه‌ای پدیده‌ها و حقایق قابل کشف انجام می‌شود. تحقیقات بنیادی به آن بخش از تحقیقات گفته می‌شود که ماحصل نتایج آن، مبنای توسعه‌ی جوامع بشری محسوب می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش‌ها به‌صورت علم است و وارد حوزه‌ی کاربرد نشده است (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۲۸۸). اما در آینده توانایی و قابلیت استفاده برای اهداف کاربردی در پژوهش‌های علمی به‌لحاظ فراهم‌آوردن چارچوب و بستری برای

[۳] -United Nations Environment Programme (UNEP)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

آن‌ها را دارد. روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ به گونه‌ای که با مطالعه‌ی اسناد دست اول، آثار منتشر شده در کتب، مجلات و نیز مطالب قابل دسترس در اینترنت در زمینه‌های دانش بومی، توسعه‌ی روستایی و توانمندسازی به بررسی ارتباط میان این مفاهیم با یک دیگر در راستای تحقق بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی پرداخته‌ایم. به‌طور کلی بومی‌سازی طرح‌های توسعه‌ی روستایی، کاربرد دانش بومی و در نهایت توانمندسازی مردمان محلی مقولات اصلی این مقاله هستند و به این موضوع پرداخته‌ایم که چگونه می‌توان با کاربرد عملی و تلفیق منابع محلی در پروژه‌های توسعه‌ی روستایی، قدرت بخشی و توانایی جامعه‌ی محلی را در ساماندهی اجتماعات خود موجب شد. از مطالبی که در این مقاله ذکر شده است، می‌توان به‌عنوان پایه و اساسی به‌ویژه برای مبانی نظری در مطالعات علمی و پژوهشی استفاده کرد.

اهداف مورد نظر در این مقاله عبارتند از:

۱- آشنایی با مفهوم دانش بومی

۲- تعریف توسعه‌ی روستایی

۳- تعریف توانمندسازی و ابعاد آن

٤- و در نهایت رویکرد بومی‌سازی برنامه‌های توسعه‌ی روستایی چه نتایجی به‌بار می‌آورد.

مبانی نظری تحقیق

رویکرد نظری مقاله مبتنی بر دیدگاه‌های مربوط به دانش بومی، توسعه‌ی روستایی و توانمندسازی است که اخیراً در مباحث توسعه‌ی روستایی بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

۱- دانش بومی چه نوع دانشی است؟

روستاییان دارای دانشی هستند که تحت عنوان دانش بومی[٤] شناخته می‌شود. تعاریف متعددی از دانش بومی شده است. بنا بر نظریات رابرت چمبرز[٥] دانش بومی در اصطلاح به دانشی اطلاق می‌شود که از حوزه‌ی جغرافیایی خاصی سرچشمه گرفته و به‌طور طبیعی تولید شده باشد (چمبرز، ۱۳۷٦، ۱۰۸). به‌عقیده‌ی وارِن[٦] (۱۹۹۱) و فلاوییر[۷] (۱۹۹۵) دانش بومی (IK)، دانشی محلی و

[٤]- Indegenous Knowledge
[٥]- chambers
[٦]- Warren
[۷]- Flavier

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خاص یک فرهنگ یا جامعه‌ی معینی است که پیوسته تحت تاثیر تجارب درونی اجتماع و هم‌چنین در نتیجه ارتباط با نظام‌های بیرونی از خلاقیت و نوآوری برخوردار بوده است. گیرتز[۸] (۱۹۸۳) نیز در کتاب خود به‌نام «دانش محلی»، دانش بومی را به‌عنوان دانشی کاربردی، جمعی و عمیقاً ریشه گرفته از یک مکان خاص تعریف می‌کند. دانش محلی زمینه‌ای، کل نگر و منطبق با محیط است و به‌صورت غیر رسمی انتشار پیدا کرده است (کلکر[۹]، ۲۰۰۷: ۲۹۸). مهم‌ترین ویژگی دانش بومی عبارت هستند از:

۱- بر پایه‌ی تجربه استوار است؛

۲- در طول قرن‌ها با کار بر روی آن مورد آزمون قرار گرفته و جنبه‌ی کاربردی پیدا کرده است؛

۳- با محیط و فرهنگ بومی سازگار است؛

٤- پویا و در حال دگرگونی است (بوذرجمهری و افتخاری، ١٣٨٤: ١٩).

سایر ویژگی‌های دانش بومی عبارتند از: سازگاری با نیروی کار فروان و تقاضای کم برای سرمایه، پویایی، سازگاری کامل محلی، پذیرش نظام‌های تولید متنوع، تأکید بر بقایای منابع و پرهیز از ریسک، تصمیم‌گیری منطقی، راهبردهای انعطاف‌پذیر برای موارد اضطراری (مثل خشک سالی و قحطی)، زراعی ساده، مبتکرانه و هوشمندانه برای کشت هم‌زمان چند محصول، آمیزش و استخراج کامل روش‌های تولیدی با نهادهای اجتماعی، انعطاف‌پذیری و قابلیت آفرینی بالا. هم-چنین آینده‌نگری، سازمان‌دار بودن، همه پسندی، مشارکتی بودن، استفاده از توانایی عمومی، سازگاری عملیات با طبیعت و خود تنظیمی از ویژگی‌های دانش بومی است (پاپ زن، ۱۳۸۱: ۲۵).

واربورتن[۱۰] و مارتین[۱۱] سه رویکردی که به دانش محلی در تحقیقات توسعه وجود داشته است را مقوله‌بندی کرده‌اند:

- رویکرد انتقال به تکنولوژی؛ در این مدل دانش محلی به‌دلیل آن‌که نا کارآمد و نامرغوب است نادیده گرفته می‌شود. در این الگو جریان دانش یک طرفه است و کلاً از دانش علمی گرفته می‌شود.

---

[۸]- Geertz
[۹]- Kelkar
[۱۰]- Warburton
[۱۱]- Martin

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

- رویکرد بازدهی و کارآیی فنی دانش بومی؛ که اصطلاحاً دانش فنی بومی گفته می‌شود و محققان این موضوع که مردم بومی چه‌گونه و با چه تکنیک‌هایی از منابع طبیعی استفاده می‌کنند را مدّ نظر قرار داده‌اند.

- رویکرد سوم یک دید کل‌نگر به دانش مردم بومی دارد که شامل هر دو جنبه‌ی فرهنگی و فنی می‌شود و باز شناختن دانش فنی محلی با دانش اجتماعی و سیاسی پیوند یافته است (کلکر، ۲۰۰۷: ۲۹۷).

۲- توسعه‌ی روستایی چیست؟

توسعه‌ی روستایی[۱۲] به‌عنوان یک مفهوم و ایده، نوعی عمران و بهبود سطح زندگی روستاییان است که شامل توسعه‌ی منابع طبیعی با تأکید بر بخش کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن، توسعه‌ی صنایع روستایی از جمله صنایع‌دستی و صنایع تبدیلی، توسعه و تجهیز منابع انسانی و تلاش مستمر در راستای بهسازی فضای اجتماعی، اقتصادی زندگی روستایی می‌شود (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۲٤۹). توسعه‌ی روستایی یک استراتژی است که گروه خاصی از مردم (زنان و مردان فقیر روستایی) را قادر می‌سازد تا آن‌چه را برای خود و فرزندانشان می‌خواهند یا لازم دارند، به‌دست آورند. به این ترتیب توسعه‌ی روستایی شامل کمک به فقیرترین مردمی است که در نقاط روستایی به‌دنبال امرار معاش‌اند و خواستار کنترل بیش‌تری بر منافع توسعه هستند. این گروه مرکب از کشاورزان خرده پا، اجاره داران و افراد فاقد زمین است (چمبرز، ۱۳۷٦، ۱۸٦).

توسعه روستایی به نوین‌سازی جامعه‌ی روستایی می‌پردازد و آن را از یک انزوای سنتی به جامعه‌ای تغییر خواهد داد که با اقتصاد ملی عجین شده است. توسعه‌ی روستایی فرآیندی چند بعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی قشرهای فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است. فرآیندی که با بهره‌گیری از ساز و کارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خود اتّکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می‌کند که در آن‌ها قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابعِ در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه‌ی آن بتوانند وضعیت موجودشان را مناسب و مطلوب‌تر تغییر دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ۲۱ و ۲۲). از نظر کُپ[۱۳]توسعه‌ی روستایی فرایندی است که از طریق کوشش-

[۱۲] - Rural Development

[۱۳] - Copp

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

های جمعی در پی بهبود در بهزیستی و خودیابی مردمی است که در خارج از مناطق شهری زندگی می‌کنند. هدف توسعه‌ی روستایی باید گسترش دامنه‌ی فرصت‌ها [ی برابر] برای مردم روستایی باشد (مِتا[۱۴]، ۱۹۸٤: ١٤).

۲-۱- راهبرد توسعه‌ی همه جانبه‌ی روستایی

از میان راهبردهای متعدد در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی، به راهبرد توسعه‌ی همه جانبه‌ی روستایی که در دهه‌ی هشتاد وارد مطالعات توسعه شد، اشاره می‌شود؛ چرا که به‌نظر می‌رسد بیش-ترین پیوند را با مباحث مطرح شده در این مطالعه دارد.

این راهبرد متضّمن مجموعه‌ای از چشم‌اندازهایی است که غالباً از نظر ذهنی و ایدئولوژیکی متضاد بودند و تحت تأثیر ظهور تفکر سیستمی نیز هست و معتقد است آن‌چنان که پیامدهای توسعه و توسعه نیافتگی روستایی بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی تأثیر می‌گذارند، برای تحقّق توسعه‌یافتگی روستایی نیز باید به زمینه‌ها و عوامل مختلفی که با یک‌دیگر در تعامل هستند توجه کرد. در قالب این رویکرد بر سازماندهی روستاییان و بسط سازمان‌های محلی، که دارای کارکردهای عدیده‌ای چون ارائه‌ی ساز وکاری برای دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی، توسعه‌ی ارتباطات دو سویه، گسترش خدمات، بسیج منابع محلی [که دانش بومی در این مقوله جای دارد]، افزایش آگاهی، نظارت بر دیوان سالاری محلی و توسعه‌ی توانمندی‌های رهبری محلی هستند، تأکید می‌گردد و با درنظر گرفتن نوعی جامع‌نگری نسبت به وضعیت و ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روستاها و ارتباط ارگانیک روستاها با سایر بخش‌های شهری و منطقه‌ای و بهره‌گیری از زمینه‌های بومی و سنتی برای توسعه‌ی روستایی در قالب تقویت ابتکارهای محلی تلاش می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۳۳).

راهبرد توسعه‌ی همه جانبه یک حالت چند منظوره و کل‌گرایانه دارد. این راهبرد بر اهداف زیر تأکید دارد:

۱- بهبود در استانداردهای زندگی و تأمین نیازهای اساسی،

۲- مولد ساختن مناطق روستایی و برقراری ارتباط اقتصادیِ میان بخشی در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی؛

---

[۱۴] - Mehta

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۳- تقویت روحیه‌ی خود اتکایی و مشارکتی در روستاییان،

٤- تقویت استقلال محلی از طریق تمرکززدایی (ازکیا وغفاری، ۱۳۸۳: ۳٤).

۳- معنای توانمندسازی چیست؟

به‌نظر چمبرز توانمندسازی[۱۵] یعنی مردم به‌ویژه مردم فقیر توانایی این را می‌یابند که کنترل بیش‌تری بر زندگی خود داشته باشند و با در دست داشتن دارایی‌های مولّد، به منزله‌ی عناصری اساسی، بهتر امرار معاش کنند (چمبرز، ۱۳۸۱، ۳۵). توانمندسازی موجب تغییراتی در ساختار ذهنی روستاییان می‌شود با این توضیح که روستاییِ توانمند دیدی مثبت به کارها دارد، ریسک‌پذیر است، انعطاف‌پذیر است، کار گروهی را بر کار فردی ترجیح می‌دهد، همیشه درحال یادگیری است، در انجام کارها مصمم است، سعی می‌کند تحدیدات را به فرصت‌ها تبدیل کند (رحمانپور، ۱۳۸۱: ۱٦).

۳-۱- رویکردهای توانمندسازی

الف) رویکرد مکانیکی (ارتباطی): بر اساس این دیدگاه، توانمندسازی به‌معنای تفویض اختیار و قدرت از بالا به پایین، همراه با مرزها و محدودیت‌های روشن و پاسخ‌گویی دقیق است که کنترل مدیریتی را افزایش می‌دهد. در این رویکرد توانمندسازی فرایندی است که طی آن مدیریت ارشد یک بینش روشن تدوین و برنامه‌ها و وظایف معین برای نیل به آن در سازمان ترسیم می‌کند. او اطلاعات و منابع مورد نیاز برای انجام وظایف را برای کارکنان فراهم می‌کند و اجازه می‌دهد تا آنان در صورت نیاز تغییرات رویه‌ای و اصلاح فرآیندها را انجام دهند. در این رویکرد نتایج کار و فعالیت بیش‌تر تحت کنترل مدیریتی باشد. به‌طور خلاصه در این رویکرد توانمندسازی یعنی تصمیم‌گیری در یک محدوده‌ی معین (صنعتی، ۱۳۸٦: ۲۹).

ب) رویکرد ارگانیکی (انگیزشی): این رویکرد دیدگاهی از پایین به بالاست. به ایجاد و افزایش انگیزهو مشارکت در افراد تأکید دارد و کنترل را کاهش می‌دهد. بر اساس این رویکرد توانمندسازی برحسب باورها و تجارب شخصی افراد تعریف می‌شود. بر طبق این دیدگاه، افراد دارای دانش، مهارت و ویژگی‌هایی هستند که در صورت کاربرد آن می‌توان به نتایج بهتری رسید.

---

[۱۵] -Empowerment

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بنابراین کنترل صِرف از سوی مافوق مدّنظر نیست، بلکه به زیر دستان آزادی عمل و قدرت تصمیم‌گیری نیز داده می‌شود.

۳-۲- ابعاد توانمندسازی

اسپریتزر[۱۶](۱۹۹۲) چهار بُعد برای توانمندسازی برشمرده است که بعدها براساس مطالعات میشرا[۱۷](۱۹۹۲) یک بعد دیگر نیز به آن افزوده شده و پنج بعد کلیدی توانمندسازی شکل گرفت که عبارتند از:

۱- احساس خود اثربخشی[۱۸] یا شایستگی[۱۹]:[یا احساس خود کارآمدی که به معنای اعتقاد فرد به مهارت‌ها و توانایی‌های خویش برای انجام امور است]. وقتی افراد توانمند می‌شوند، احساس خوداثربخشی می‌کنند یا احساس می‌کنند قابلیت و تبحّر لازم برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار را دارند. افراد توانمندشده نه تنها احساس شایستگی، بلکه احساس اطمینان می‌کنند که می‌توانند کار را با کفایت انجام دهند. آنان احساس برتری شخصی[۲۰]می کنند و معتقدند که می‌توانند برای رویارویی با چالش‌های تازه بیاموزند و رشد یابند. بعضی از نویسندگان، بر این باورند که این ویژگی، مهم‌ترین عنصر توانمندسازی است؛ زیرا داشتن احساس خوداثربخشی تعیین می‌کند که آیا افراد برای انجام دادن کاری دشوار، خواهند کوشید و پشتکار خواهند داشت یا خیر؟ (وتن و کمرون، ۱۳۸۳: ٢٤). باندورا (۱۹۷۷) سه شرط زیر را برای احساس خود اثربخشی افراد پیشنهاد می‌کند:

- باور به این که توانایی انجام کار را دارند.
- باور به این که ظرفیت به‌کار بستن تلاش لازم را دارند.
- باور به این که مانعی خارجی آن‌ها را از انجام کار مورد نظر باز نخواهند داشت (وردی نژاد و دیگران، ۱۳۸۷: ۵).

۲- احساس خودسامانی[۲۱]:[به احساس انتخاب شخصی و درستی حق انتخاب اشاره دارد] هنگامی که افراد به‌جای اینکه با اجبار در کاری درگیر شوند یا دست از آن کار بکشند، خود داوطلبانه در وظایف خویش درگیر شوند، احساس خودسامانی می‌کنند. آنان خود را افرادی

---

۱۶ -Spreitzer
۱۷ -Mishra
۱۸ -Self Efficacy
۱۹ -Senes of Competence
۲۰ -PersonalMastery
۲۱ -Self Determination

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خودآغازگر می‌بینند که قادرند به‌میل خود، اقدامات ابتکاری انجام دهند، تصمیمات مستقل بگیرند و افکار جدید را به آزمون بگذارند (سیگلر و پیرسون، ۲۰۰۰: ۹). افراد توانمند در مورد کارهایشان احساس مالکیت می‌کنند؛ زیرا آنان می‌توانند تعیین کنند که کارها چگونه باید انجام شوند و با چه سرعتی پایان یابند. داشتن حق انتخاب، جزء اصلی خودسامانی به‌شمار می‌رود.

۳- پذیرفتن شخصی نتیجه[۲۲]: [احساس توان تأثیرگذاری یا مؤثر بودن] افراد توانمند احساس کنترل شخصی بر نتایج دارند. آنان بر این باورند که می‌توانند با تحت تأثیر قرار دادن محیطی که در آن کار می‌کنند، یا نتایجی که تولید می‌شود، تغییر ایجاد کنند. پذیرفتن شخصی نتیجه، عبارت است از اعتقادات فرد در یک مقطع مشخص از زمان در زمینه‌ی تواناییاش برای ایجاد تغییر در جهت مطلوب. داشتن احساس پذیرفتن شخصی نتیجه، کاملاً به احساس خودکنترلی مربوط است برای اینکه افراد احساس توانمندسازی کنند، آنان نه تنها باید احساس کنند که آنچه انجام می‌دهند اثری به‌دنبال دارد، بلکه باید احساس کنند که می‌توانند آن اثر را به‌وجود آورند؛ یعنی برای اینکه آن نتیجه با احساس توانمندسازی همراه باشد، آنان باید احساس کنند که کنترل نتیجه‌ی تولید یا خدمت ارائه‌شده را در دست دارند (وتن و کمرون، ۱۳۸۳: ۲۸ و ۲۹).

٤- معنی‌دار بودن[۲۳]: [احساس ارزشمند بودن] افراد به هنگام اشتغال به کاری که احساس می‌کند معنی‌دار است، نسبت به زمانی‌که این احساس پایین است، بیش‌تر به آن متعهد می‌شوند، بیش‌تر درگیر آن می‌شوند و نیروی زیادتری برای آن کار متمرکز می‌کنند. افراد به‌علت اینکه کارِ معنی‌دار، با احساس اهمیت شخصی و خودارزشی آنان همراه است در اشتغال بدان هیجان و شوق بیش‌تری دارند. هم‌چنین افرادی که با احساس معنی‌دار بودن شغل، توانمند شده‌اند، نوآورترو بر رده‌های بالاتر تأثیرگذارتر هستند (وتن و کمرون، ۱۳۸۳: ۳۲).

۵- اعتماد[۲٤]؛ سرانجام افراد توانمند دارای حسی به‌نام اعتماد هستند و مطمئن هستند که با آنان منصفانه[۲۵] و یکسان رفتار خواهد شد. این افراد، این اطمینان را حفظ می‌کنند که حتی در مقام زیردست نیز نتیجه‌ی نهایی کارهایشان منصفانه خواهد بود. معمولاً معنی این احساس، آن است که آنان اطمینان دارند که صاحبان قدرت به آنان آسیب یا زیان نخواهند زد و با آنان بی‌طرفانه رفتار خواهد شد. به‌بیان دیگر، اعتماد به‌معنی داشتن احساس امنیت شخصی است. اعتماد هم‌چنین

---

[۲۲] -Personal Consequence
[۲۳] -Meaning
[۲٤] -Trust
[۲۵] -Fairly

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به‌طور ضمنی دلالت بر این دارد که افراد خود را در یک موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهند. با این همه، افراد توانمند ایمان دارند که در نهایت هیچ آسیبی در نتیجه‌ی آن اعتماد متوجه آنان نخواهد شد (وتن و کمرون، ۱۳۸۳: ۳۳).

بحث و بررسی

کاربرد دانش بومی چه نقشی در بومی سازی توسعه‌ی روستایی و توانمندسازی روستاییان دارد؟

توسعه‌ی روستایی یک فرآیند چند جانبه است؛ بدین معنی که وقتی وارد روستا می‌شود ابعاد مختلف حیات اجتماعی را متأثر می‌کند. توسعه‌ی روستایی برای مردمانی اجرا می‌شود که به‌طور مستقیم درگیر اهداف آن می‌شوند و با نتایج و مسائل آن مواجه می‌شوند. بنابراین می‌بایست دانستنی‌های اجتماع روستایی نیز در آن گنجانده شود. غالباً برنامه‌های توسعه‌ای که در سطح روستا اجرا می‌شود مرکز محور است؛ یعنی برنامه‌ها در خارج از روستا و توسط کارشناسان بیرونی تهیه، بررسی و برای اجرا به روستا آورده می‌شود. این رویکرد توسعه‌ی برون‌زا که گاه توسعه‌ی از بالا به پایین، از مرکز به پیرامون و از شهر به روستا نامیده می‌شود، موجب شده که روستاییان صرفاً دریافت کننده و همیشه چشم انتظار دریافت خدمات از بیرون باشند. اما زمان آن فرا رسیده است که رویکردهای توسعه به توسعه‌ی درون‌زا تغییر یابد. رویکردی که در آن توسعه از پایین به بالا است و برای مردم و به‌وسیله و با مشارکت آنان به‌دست می‌آید.

بدیهی است که با ارزش‌ترین دارایی یک جامعه، همانا انسان با تمام قابلیت‌هایش است. نقش نیروی انسانی در تحقق توسعه غیر قابل انکار است. در واقع سرمایه‌ی انسانی در قالب مهارت‌ها و تجارب یک قوم متجلّی می‌شود و این مجموعه‌ی با ارزشِ دانش‌ها وسیله‌ای برای رویارویی با مشکلات پیش‌روی زندگی است. دانش بومی نیز برخاسته از یک جامعه‌ی انسانی در طول زمان است و با فرهنگ یک قوم عجین شده است. سالیان درازی است که این دانش علیرغم در حاشیه ماندن، خود را حفظ کرده و هم‌چنان در پیشبرد زندگی بشری نقش تسهیل کننده را ایفا می‌کند.

اگر بومی‌سازی را استفاده آگاهانه از الگوها، روش‌ها و فنون توسعه و تطابق آن با شرایط جامعه‌ی بومی در کنار به روز کردن و تقویت تکنیک‌ها و روش‌های بومی یا همان پیوند دانش رسمی با دانش و شرایط بومی بدانیم، چنین راهبردی می‌تواند به توانمندسازی و مشارکت مردم در جریان توسعه و شکل‌گیری یک جریان توسعه‌ی درون‌زا، متّکی به‌خود و پایدار منجر شود (زاهدی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۹۳). مؤثرترین راهکار برای بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی، شناسایی و کاربرد عملی دانش بومی است که از ارزش، نگرش، عقاید و اجماع جمعی یک قوم حکایت می‌کند. زیرا در طی این فرایند است که به یک اجتماع بها داده می‌شود، دانش آن مورد احترام قرار می‌گیرد. ضمن این که بومی‌سازی موجب کاهش هزینه‌ها شده و میوه‌ی توسعه را در درازمدت به بار می‌نشاند. بومی‌سازی در مفهوم وسیع آن، صرفاً استفاده‌ی مادی را شامل نمی‌شود؛ بلکه به‌معنای بهره‌گیری از منابع محلی اعم از مادی و غیرمادی است. چه بسا ممکن است که در طرح‌ریزی توسعه توجه به فرهنگ غالب و ارزش‌های یک جامعه فرآیند توسعه را تسهیل کند. اما علی‌رغم این حقیقت، توسعه‌ی مبتنی بر قابلیت‌های محیطی چنان‌که باید هنوز در دیدگاه‌های توسعه‌ی ریشه نگرفته است. از موانع بومی‌سازی توسعه روستایی باید اشاره کرد به:

- سلطه‌ی رویکرد توسعه‌ی برون‌زا؛
- نادیده گرفتن منابع محلی؛
- عدم ارتباط متقابل میان روستاییان و کارشناسان؛
- به حاشیه راندن قشرهای محروم روستایی؛
- تمرکزگرایی که شامل:
- تمرکز دانش و فن کارگزاران توسعه؛
- تمرکز برنامه‌های از پیش ساخته که شیوه‌ی مسلط در برنامه‌ریزی‌ها است؛
- تمرکز تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا از سوی بیرونی‌ها.

اگر کارشناسان توسعه به این امر واقف شوند که اساس و اصول توسعه باید برخواسته از محیط اجتماعی-فرهنگی یک جامعه باشد، در آن صورت توسعه‌ی بومی-محلی قابلیت اجرا پیدا می‌کند. پس بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی طی چند فرآیند حاصل می‌شود:

۱- پذیرش اصل تنوّع در توسعه: توسعه، صرفاً یک فرایند بیرونی نیست بلکه زمینه‌های درونی یک جامعه نیز باید مدّنظر قرار گیرند.

۲- ترکیب منابع وارداتی با منابع بومی و محلی: صرفاً روش های وارداتی‌اِعمال نشوند بلکه شیوه‌های محلی نیز شناسایی و تقویت شوند.

۳- پذیرش اصل مشارکت همگانی: ضمن این که بومیان بهره‌برداران نهایی هستند، مشارکت آنان نیز برانگیخته شود، فراخواندن آنان با تمام دانستنی‌هایشان در سایه‌ی تعامل با مردم محلی. مشارکت واقعی، روحیه‌ی خود اتّکایی در روستاییان را افزایش می‌دهد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

٤- تمرکززدایی: که موجب ارتقای ابتکار عمل، مسؤولیت‌پذیری و تقویت استقلال محلی می‌شود.

۵- یادگیری معکوس[۲۶]: این اصل را رابرت چمبرز (۱۳۷٦) بیان کرده است که طی برقراری تعامل و گفتگو میان مصلحان توسعه و مردم روستایی، مصلحان و کارشناسان توسعه از مردم روستایی می‌آموزند. وارونه‌کردن جریان یادگیری، فراگرفتن مستقیم از مردم روستایی و دنیا را از چشم یک روستایی دیدن مدّ نظر است. اعضای اجتماع محلی به‌ویژه پیران و سالخوردگان، بهترین منبع برای دستیابی به دانش بومی هستند. هم‌چنین فولکور، رسوم، آوازها، شعر که به میزان زیادی ارزش‌ها و تاریخ و رویه‌ی یک قوم را آشکار می‌کند. کارگزاران توسعه به چند طریق می‌توانند به تجارب بومیان دست یابند:

۱- نشستن با حوصله و فروتنی در کنار یک روستایی و گوش کردن به صحبت‌های او همراه با احترام همان‌گونه که یک شاگرد به استادش احترام می‌گذارد.

۲- یادگیری از فقرا: اغلب افراد فقیر را افرادی نادان می‌پندارند و یادگیری از آن‌ها به‌ندرت جزیی از برنامه‌های فقرزدایی محسوب می‌شود. اما این امر یک راه کلیدی برای توانمند ساختن فقرا برای بهبود مشکلات زندگی‌شان است.

۳- به‌کارگیری دانش بومی روستاییان: روستاییان دانشی دارند که مصلحان روستایی فاقد آنند. برای دستیابی به دانش بومی روستاییان چند راه وجود دارد:

الف- گردآوری فرهنگ لغات و اصطلاحات بومی؛

ب- شرکت در بازی‌های محلی؛

ج- کار همراه با روستاییان در فعالیت‌های کشاورزی [مشاهده‌ی مشارکتی]؛

د- اگر فرد بتواند خود را به‌جای روستاییان فقیر بگذارد می‌تواند دنیای فقرا را درک کند. شبیه‌سازی یکی از شیوه‌هایی است که می‌توان زندگی و مشکلات فقرا را درک کرد (چمبرز، ۱۳۷٦: تلخیص).

از نتایج بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی در قالب کاربرد دانش بومی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بومی‌شدن و محلی‌شدن فرایند توسعه چون از منابع و امکانات بومی هر منطقه استفاده می‌شود.
- احیا و تقویت دانش و مهارت‌های بومی و ذخیره و جمع‌آوری گنجینه‌ای از آن‌ها.

---

[۲۶] -reversal learning

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

- تسهیم مردم بومی در قدرت و در نتیجه توانمندسازی آنان که به‌معنای دادن اختیار امور به مردم است.
- کاهش هزینه‌های مالی توسعه چون دانش بومی کاربر است تا سرمایه بر.
- گسترش خدمات حاصل از توسعه و بهره‌مندی تمام قشرهای روستایی
- مولّد ساختن جامعه‌ی روستایی که به‌سوی خودکفایی گام بر می‌دارد.
- و در نهایت توسعه‌ی درون‌زا، متّکی به خود و تحقّق توسعه‌ی همه جانبه‌ی محلی.

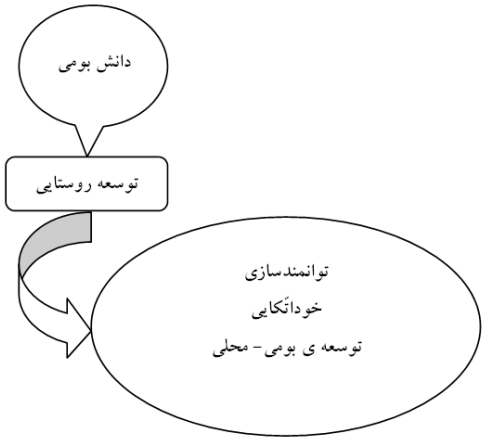
آن‌چه در مورد توسعه و بومی‌سازی صدق می‌کند این است که توسعه‌ی مبتنی بر بومی‌سازی و متّکی بر دانش بومی به توانمندسازی جامعه و توان بخشی اجتماعی کمک می‌کند. با توجه به‌جا به جایی در مؤلفه‌های قدرت و این که امروزه قدرت و توانایی براساس دانایی تعریف می‌شود و نظام‌های دانش، نظام‌های قدرت و سلطه خوانده می‌شوند. این ارتباط دانش و قدرت در رابطه‌ی توسعه‌ی بومی و غیر بومی نیز مطرح است و دانش بومی نیز می‌تواند بخشی از این توانایی به‌حساب آید. توسعه‌گران و بومیان با شناخت و درک تعاریف مشترک و متفاوتشان از مشکلات و اولویت‌ها، به راه حل‌های مؤثرتری دست خواهند یافت. استفاده از راه حل‌های بومی در چنین فضایی که مشوّق هم فکری و همیاری است، مجال کارایی بیش‌تری پیدا خواهد کرد. بنابراین برای دستیابی به راه‌های مؤثرتر توسعه نباید از تجربه‌ها و توانایی‌های دانش بومی جامعه‌ی محلی در جهت بومی‌سازی الگوی توسعه غفلت کرد. اما کافی نیست که مجریان توسعه تنها به ضرورت دانش بومی در جریان توسعه آگاه باشند، بلکه گام بعدی درک انواع مختلف دانش بومی، چگونگی حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده و نحوه‌ی به‌کارگیری آن در تحول و توسعه‌ی جامعه است (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۱۸۳).

تراپ[۲۷] معتقد است که برای کمک به جوامع فقیر، روستایی و بومی کشورهای در حال توسعه پرداختن به دانش بومی و احیا و رشد دانش بومیِ مناسب و کارآمد، قدم بزرگی در توانبخشی محرومان است. با توانمندی بیش‌تر اهالی، در آینده ناظر پذیرش و کاربرد سنجیده و مناسب بخشی از فناوری‌های غیر بومی نیز خواهیم بود (تراپ، ۱۹۸۹: ۱۰). توانمندسازی به‌معنای قدرت بخشیدن است و این یعنی به افراد کمک کنیم تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند و بر ناتوانی و یا درماندگی خود چیره شوند. در افراد شور و شوق فعالیت ایجاد و انگیزه‌های درونی آنان را برای انجام وظیفه بسیج کنیم (عباسی و کرد، ۱۳۸۸: ۷۷). از نظر فرد توانمند کار نشدنی

[۲۷]- Thrupp

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

وجود ندارد. برای توانمندسازی مردم روستایی به‌عنوان گروه‌های هدف که باید یکی از اهداف برنامه‌های توسعه‌ی روستایی باشد، آگاهی، آموزش و علاقه‌مند کردن بومیان لازم است. توسعه-گران واقعی، مردم محلی هستند. با روی آوردن به دانش بومی به‌عنوان یک درون داد در توسعه‌ی روستایی به‌سوی یک جامعه برخوردار از توسعه‌ی یک پارچه قدم می‌گذاریم که به‌صورت ساده در نمودار زیر ترسیم شده است:



نتیجه‌گیری

فرآیند توسعه‌ی روستایی دستخوش تحول فکری عظیمی شده است. مفهوم دانش بومی به یکی از ارکان اصلی توسعه‌ی روستایی درآمده است که با گنجاندن آن در دیدگاه‌های توسعه، می-توان به بسیج دانش پراکنده و متعدد توده‌ای از روستاییان دست یافت.

توسعه‌ی روستایی به‌معنای کوشش و کنشی آگاهانه و نهادی و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت قشرهای مختلف روستایی اعم از زارعین و غیر زارعین، فقرا و غیر فقرا و تواناسازی بخش روستایی در تسریع روند پیشرفت است که از طریق اعمالی چون توسعه‌ی بخش کشاورزی، توسعه‌ی صنایع‌دستی، ایجاد تسهیلات و خدمات اجتماعی، گسترش تکنولوژی مناسب در روستاها و انجام فعالیت‌های آموزشی و ترویجی متنوّع و متناسب با ویژگی‌های جامعه‌ی مورد توجه، محقّق می‌شود (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۲٤۹). توسعه‌ی روستاییبا هدف بهبود کیفیت زندگی مردمان ساکن در اجتماعات روستایی پیاده می‌شود. در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی، توجه صاحب-نظران توسعه متوجه جوامع روستایی است که از فرهنگ، دانش، مهارت، منابع غنی و متعددی برخوردارند و غالباً در برنامه‌های توسعه در حاشیه قرار داشته‌اند. کاربرد عملی دانش بومی نقش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به‌سزایی در بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی دارد. در زمینه‌ی تحقق این امر مهم می‌بایست تمام امکانات قابل دسترس را در خدمت شناسایی و تلفیق آن با دانش رسمی و تکنولوژی به‌کار انداخت. در استراتژی‌های توسعه‌ی روستایی بر رشد تولیدات کشاورزی، استفاده‌ی بهتر از منابع کمیاب، کاربرد بهینه‌ی سرمایه، ایجاد فرصت‌های شغلی، ارتقاء سطح زندگی و مشارکت جمعیت روستایی در اداره‌ی امور خود و نیز در راهبرد توسعه‌ی همه جانبه‌ی روستایی که کل‌گرایی از ویژگی مشترک آن با دانش بومی است بر ارتباط ارگانیک روستاها با سایر مناطق و بهره‌گیری از زمینه‌های بومی و سنتی در قالب تقویت ابتکارات محلی تأکید شده است. بنابراین دستیابی به این اهداف در سایه توجه به بسترهای فرهنگی و اجتماعی هر منطقه میسر می‌شود. بومی‌سازی توسعه-ی روستایی برابر با رشد و توسعه است. آگاهی و مشارکت را می‌تون از اصول اساسی بومی‌سازی دانست و این آگاهی و مشارکت در وهله‌ی اول باید در عمل از سوی کارشناسان توسعه پذیرفته شود و سپس از سوی افرد محلی نیز به‌کار گرفته شود. بومی‌سازی به توسعه‌ی متکی به‌خود و توانبخشی اجتماع محلی می‌انجامد. توجه به دانش بومی ضمن این‌که به بومی‌سازی توسعه می-انجامد، سبب مشارکت مردم می‌شود و توانایی‌های آنان را آشکار می‌کند.

توانمندسازی به‌معنای تفویض اختیار و قدرتِ تصمیم گیری به افراد در امور مربوط به خودشان است. توانمندسازی فرد را از منفعل بودن بیرون می‌آورد و آگاهانه به تلاش می‌پردازد. توانمندسازی در فرد اندیشه‌ی احساس مفید بودن، حق انتخاب داشتن، قدرت تأثیرگذاری، ارزشمند بودن و داشتن امنیت را تقویت می‌کند. هم‌چنین باید از پیامدهای توانمندسازی به ایجاد و تقویت اعتماد به‌نفس در افراد و آگاه کردن آنان به این موضوع که مسؤولیت سازندگی محیط زندگی‌شان بر عهده‌ی آنان است اشاره کرد.

توانمندسازییکی از ثمرات بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی است که با مشارکت واقعی مردم میسر می‌شود، به‌گونه‌ای که میان اهداف توسعه‌ای و مشارکت روستاییان رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. توسعه‌ی روستایی حاصل نمی‌شود مگر با توانمندسازی روستاییان به‌منظور بهبود کیفیت زندگی‌شان. ساز وکارهایی مثل برنامه‌ریزی در راستای آگهی دادن به افراد محلی، سازماندهی منابع محلی، تقویت خود اتکایی فردی و جمعی، به‌کارگیری تجربیات و اندوخته‌ها، مشارکت واقعی و تقویت اختیار بهره‌گیری از منابعِ در اختیارشان راهکارهایی هستند تا بدین وسیله افراد محلی بتوانند به‌توسعه‌ای برسند که با محیط اجتماعی-فرهنگی آن‌ها سازگار باشد. پس توجه به دانش بومی و کاربرد عملی آن مساوی است با: توسعه‌ی محلی و توانبخشی جامعه‌ی محلی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳) توسعه‌ی روستایی با تأکید بر جامعه‌ی روستایی ایران، چاپ اول، تهران: نشر نی.

۲. ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲) روش‌های کاربردی تحقیق، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.

۳. بوذرجمهری، خدیجه (۱۳۸۲) «جایگاه دانش بومی در توسعه‌ی روستایی پایدار»، نشریه‌ی جغرافیا و توسعه، دوره‌ی ۱، شماره‌ی پیاپی ۲: ۵-۲۰.

٤. بوذرجمهری، خدیجه و عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸٤) «تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه‌ی پایدار روستایی»، فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱: ۱۷-٤۷.

۵. پاپ زن، عبدالحمید، (۱۳۸۱) «طراحی تلفیقی دانش بومی و رسمی به‌منظور دستیابی به رسانه‌ای مشارکتی در استان کرمانشاه»، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتری، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران.

٦. چمبرز، رابرت (۱۳۷٦) توسعه‌ی روستایی اولویت بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب‌پذیر)، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷. چمبرز، رابرت (۱۳۸۱) چالش با حرفه‌ها؛ عرصه‌های چالش در توسعه‌ی روستایی، ترجمه‌ی علیرضا خرمایی، تهران: نشر ارغنون.

۸. طالب، مهدی و موسی عنبری (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی روستایی؛ ابعاد تغییر و توسعه در جامعه‌ی روستایی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۹. رحمانپور، لقمان (۱۳۸۱) «توانمندسازی: مفاهیم، ساختار و راهکارها»، ماهنامه‌ی مدیریت، سال دوازدهم، شماره‌ی ۵۹ و ٦۰: ١٤-۱۸.

۱۰. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۱) توسعه و نابرابری، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مازیار.

۱۱. سازمان ملل متحد برنامه محیط‌زیست UNEP (۱۳۹۲) دانش بومی مدیریت بلایای طبیعی در آفریقا، ترجمه‌ی جلال یوسفی، چاپ اول، تهران: کتاب اول.

۱۲. صنعتی، زینب، (۱۳۸٦) « بررسی رابطه بین آموزش‌های ضمن خدمت و توانمندسازی کارکنان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، پردیس قم، دانشگاه تهران.

۱۳. عباسی، سعید و باقر کرد (۱۳۸۸) «شناسایی و تبیین مدل توانمندسازی کارکنان در سازمان‌های دولتی ایران؛ مطالعه‌ی موردی استان یزد»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های مدیریت، سال دوم، شماره‌ی ۳: ۷۵-٩٤.

١٤. عمادی، محمدحسین و اسفندیار عباسی (۱۳۷۸) حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه‌ی پایدار، جلد اول، تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۵. وتن، دیوید آلرد و کیماس. کمرون (۱۳۸۳) تواناسازی کارکنان و تفویض اختیار، ترجمه‌ی بدرالدین اورعی یزدانی، چاپ دوم، کرج: مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.

۱٦. وردی نژاد، فریدون و محمد امین میرزایی و محسن زمانی‌فر (۱۳۹۳/۸/۱۹) «توانمندسازی»، زمستان ۸۷، پردیس قم، سایت www.verdinejad.com.

۱۷. Flavier, J.M. et al. (۱۹۹۵) «The regional program for the promotion of indigenous knowledge in Asia», in Warren, D.M., L.J. Slikkerveer and D. Brokensha (eds) The cultural dimension of development: Indigenous knowledge systems. London: Intermediate Technology Publications: ٤٧٩-٤٨٧.

۱۸. Geertz, Clifford (۱۹۸۳) Local knowledge: Further Essays in Interpretive Anthropology, New York: Basic Books.

۱۹. Kelkar, Meghana (۲۰۰۷) «Local Knowledge and Natural Resource Management: A Gender Perspective», Indian Journal of Gender Studies ۱٤, ۲,: ۲۹٥-۳۰٦

۲۰. Mehta, Shiv Rattan (۱۹۸٤) Rural Development Policies and Programs: a sociological perspective, New Delhi, Beverly Hills: Sage Publications, London.

۲۱. Sigler, Honeycutt & Pearson, Christine M. (۲۰۰۰) «Creating an Empowerment Culture: Examine the Relationship between Organizational Culture and Perception of Empowerment», journal of quarterly management, Vol.٥: ۲۷-٥۲.

۲۲. Thrupp, L.A. (۱۹۸۹) Legitimizing local knowledge: Scientizedpackages or empowerment for third world people, In D.Micheal Warren etal, Iowa state university research foundation.

۲۳. Warren, D. M. (۱۹۹۱) Using Indigenous Knowledge in Agricultural Development, World Bank Discussion Paper No.۱۲۷. Washington, D.C.: The World Bank.

۲٤. Warren, D. M. (۱۹۹۱) The Role of Indigenous Knowledge in Facilitating the Agricultural Extension Process. Paper presented at International Workshop on Agricultural Knowledge Systems and the Role of Extension. Bad Boll, Germany, May ۲۱-۲٤.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]